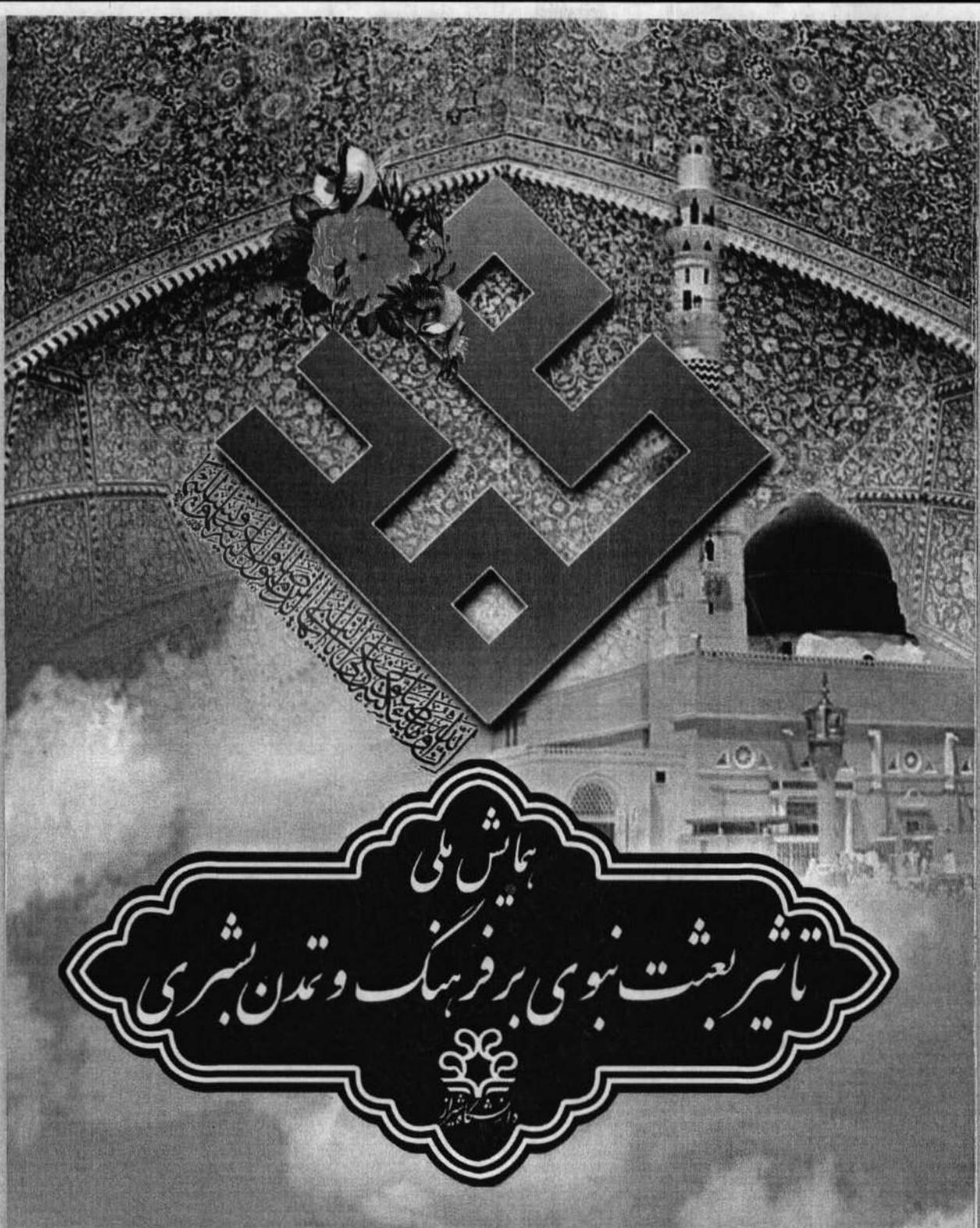


بیان ملی
ماهیت بعثت نبوی بر فریاد و تهدی شیرازی

مرکز پژوهش‌های فرهنگ اسلامی دانشگاه شیراز



مرکز پژوهش‌های فرهنگ اسلامی دانشگاه شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده‌ی مقالات همایش ملی
«بورسی آثار بعثت نبوی بر فرهنگ و تمدن بشری»

دانشگاه شیراز
۱۳۸۷ و ۲۴ اردیبهشت ماه

مستشرقان و اصالت شریعت پیامبر اعظم (ص)

^{۲۹} عباسعلی سلطانی^{۲۹}

چکیده:

عظمت و شکوه تمدن شرق به ویژه تمدن اسلامی، انگیزه خوبی برای پیدایش دانشورانی شد که به عنوان شرق شناس (مستشرق) یا اسلام شناس وارد سرزمین اسلامی شده و به پژوهش پیرامون دین اسلام، پیامبر آن و دیگر موضوع‌های مربوط به پردازند و نظریاتی را بر اساس یافته‌های خود یا طبق انگیزه و مأموریت خود ابراز دارند. یکی از این نظریات، تردید در اصالت شریعت پیامبر اسلام (ص) است.

چکیده نظر آن‌ها این است:

«فقه اسلام و امداد فقه یهودیت و قوانین رم شرقی است»^{۳۰} این نوشтар، این ادعا را مورد نقد و بررسی قرار داده و سپس به خاستگاه این ادعا پرداخته و ضمن طرح دلایل ادعا به پاسخ هر کدام مستند به متون فقه اسلام و یهود می‌پردازد. در پایان، با بیان تفاوت‌های آشکار در فقه اسلام و فقه یهود و حقوق رم، جامعیت و کمال فقه اسلام را نمایان می‌سازد.
کلید واژه‌ها: شرع اسلام، مستشرقان، اصالت فقه، فقه یهود، حقوق رم

^{۲۹} استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
جَعْلَهُ بِنَاصِيَّةِ هَذِهِ الْأَرْضِ
جَعْلَهُ مِنْ أَنْوَارِ كُلِّ الْأَرْضِ، وَجَعْلَهُ مِنْ حَصَرَتْهُ خَطْرَهُ نَزَمِ
فَهُوَ دُقَمٌ خَرَقَهُ كُلُّ اَزْمَادٍ غَارِقَهُ كُلُّ نَارٍ فَهُوَ دُرْغَنٌ فَسَرَّاهُهُ دُرْغَنٌ
دُرْغَنٌ دُرْغَنٌ دُرْغَنٌ

مستشر قان و اصالت شریعت پیامبر اعظم (ص)
دکتر عباسعلی سلطانی
استیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

عظمت و شکوه تمدن شرق به ویژه تمدن اسلامی، انگیزه خوبی برای پیدایش دانشورانی شد که به عنوان شرق شناس (مستشرق) یا اسلام شناس وارد سرزمینهای اسلامی شده و به پژوهش پیرامون دین اسلام، پیامبر آن و دیگر موضوعات مربوطه پردازند و نظریاتی را براساس یافته های خود یا طبق انگیزه و ماموریت خود ابراز دارند.

یکی از این نظریات، تردید در اصالت شریعت پیامبر اسلام (ص) است. چکیده نظر آنها

اینست:

: فقه اسلام و امداد فقه یهودیت و قوانین رم شرقی است .

این نوشتار، این ادعای مورد نقد و بررسی قرار داده و سپس به خاستگاه این ادعا پرداخته و ضمن طرح دلایل ادعا به پاسخ هر کدام مستند به متون فقه اسلام و یهود می پردازد . در پایان، با بیان تفاوت های آشکار در فقه اسلام و فقه یهود و حقوق رم ، جامعیت و کمال فقه اسلام را نمایان می سازد .

کلید واژه ها : شرع اسلام ، مستشر قان ، اصالت فقه ، فقه یهود ، حقوق رم .

مستشرقان و اصالت شریعت پیامبر اعظم (ص)

پیش درآمد:

دکتر عباسعلی سلطانی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

پدیدهٔ شرق شناسی و پیدایش مستشرقان از آنجا آغاز شد که دولتهای غربی به منظور گسترش قلمرو جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی خود به کشورهای شرقی هجوم آورده و کشورگشایی کردند.

یکی از ابزار هموار کنندهٔ این کشورگشایی، آموختن دانش و هنر مشرق به ویژه تمدن اسلامی بود. همزمان با این رویکرد، عظمت و شکوه تمدن شرق به ویژه تمدن اسلامی، انگیزهٔ خوبی برای پیدایش دانشورانی شد که به عنوان شرق شناس (Orientalist) (مستشرق) یا اسلام شناس در انتیتوهای مطالعاتی و تحقیقاتی با عنوان (السنّة شرقی) به پژوهش پیرامون مسایل و مواضع ملل و نحل مشرق پرداختند.

بسیاری از این مستشرقان دستاوردهای خود را به عنوان سفرنامه یا پژوهشنامه منتشر کرده‌اند برای بررسی و نقد این نظریات ضرورت داردخاستگاه‌ها و انگیزهٔ این افراد بررسی شود. به همین سبب در یک تقسیم کلی می‌توان این مستشرقان را در سه گروه دسته‌بندی کرد:

الف - گروه عمده‌ای از مستشرقان به عنوان میسیونر (Missioner) و مبلغان مذهبی یا وابستگان فرهنگی و پژوهشگر وارد کشورهای اسلامی می‌شدند و معمولاً دربارهای پادشاهان هم از آنها به گرمی استقبال می‌کردند. این گروه به دلیل وابستگی به دولتهای استعماری و گروههای سیاسی و نیز مجتمع کلیسا ای صلیبی،^۱ دست به انتشار سفرنامه‌ها و پژوهش‌ها و نوشه‌هایی می‌زدند که آلوده به اغراض و اهداف خاص استعماری یا تضعیف اسلام و تمدن شرق بود.

ب : گروه دیگر که افراد اندکی از مستشرقان را تشکیل می‌دهند. به دلیل برخورداری از فطرت الهی و انگیزهٔ حقیقت جویی به عنوان دوستدار حق و حقیقت به پژوهش پیرامون اوضاع و احوال کشورهای شرقی و به ویژه تمدن اسلامی پرداختند تا مجهولات و حقایق را کشف و حل کنند.

ج : افرادی پژوهشگر و دانش پژوه بودند که وابستگی آنها به دولتهای استعماری و اهداف سیاسی معین نیست اما به دلیل عدم آگاهی و دوری از منابع و مأخذ اصیل اسلامی و یا به دلیل پیش ذهن های خاص، پس از پژوهش و تحقیق. دستاوردهای خود را به صورت سفرنامه یا کتاب تحقیقی انتشار داده اند و آنها را به رنگ و لعاب پژوهش، صحیح و مورد استناد و مستدل آرایش داده اند و آن نظریات را یافته های حقیقی و نو پیدا و جالب وانمود کرده اند.

گرچه می توان گفت: پدیده شرق شناسی و آشنایی با مستشرقان علی رغم زیانهایی، فوائدی برای جامعه اسلامی داشته است ::

اول: به اندیشمندان مسلمان فهماند که چه گوهرهای تابناک و پر ارزشی در دست دارند و از آن غافلند.

دوم: روش های پژوهش در اسناد و متون و آثار کهن ویاستانی را به آنها آموخت.
سوم: ایجاد انگیزه در اندیشمندان مسلمان برای گسترش قلمرو عقیدتی اسلام در غرب با نوشتن کتابهای اصیل اسلامی و تبلیغ حقایق الهی اسلام در غرب.

اما برخی از مستشرقان به عنوان مورخ و شرق شناس ، نظریاتی را در ضمن کتابها و سفرنامه های خود مطرح کردند و به آنها رنگ و لعاب پژوهش داده و مستدل و محکم جلوه دادند ولی نه تنها نتوانسته اند به حقیقت دست یابند بلکه گاهی این یافته ها چنان دور از حقیقت اسلام و مسلمانان است که تأسف هر خواننده ای را به دنبال دارد.

تردید در اصالت شریعت پیامبر اعظم(ص) و ادعای این که: (فقه و حقوق اسلامی و امداد فقه یهود و حقوق و قوانین رم شرقی است). (۱) از همان نظریات است،

برای بررسی و نقد این ادعای شایسته است ابتدا به خاستگاه این ادعا پرداخته و سپس موارد نقض آن را بررسی کنیم.

خاستگاه ادعای وامداری شریعت اسلام:

۱- این مستشرقان پس از بررسی فقه و حقوق اسلام آن را نظام حقوقی جامع و کامل دارای مبانی منطقی و عقلانی یافته اند.(۲)

۲- پس از بررسی محیط جزیره العرب در آن دوران ، آن را منحصت توصیف کرده. و
انحطاط اخلاقی و اقتصادی و علمی و اجتماعی را در آن به وضوح یافته اند.(۳)

۳- این پژوهشگران به وحی الهی و غیب ایمان نداشته اند یا یهودیان و مسیحیانی بوده
اند که با دیانت اسلام ایمان نداشته اند..

این مستشرقان با توجه به سه مقدمه بالا نتیجه گرفته اند که بدست آمدن این مکتب و
تمدن پیشرفته اسلام از چنین محیط جزیره العرب ممکن نیست لذا دچار این ابهام و سئوال
شدند که چگونه اسلام از این شبہ جزیره پیداشد؟
(كيف خرج الإسلام من جزيرة العرب؟)(۴)

برای پاسخ به این سؤال در صدد برآمدند این پدیده را به عامل دیگر مادی متنسب کنند و لذا
با توجه به پیشینه های ذهنی خود آن را به فقه یهود یا حقوق رم متنسب کرده اند.

بررسی شبہ:

مستشرقان مدعی وامداری فقه اسلام، دو گروه هستند:

گروه اول: برآند که فقه و حقوق اسلام وامدار فقه یهود است.

گروه دوم: برآند که فقه و حقوق اسلام وامدار حقوق روم شرقی است.

بررسی ادعای گروه اول:

- گلد زیهر(Goldziher.1850-1921) در باره این موضوع می گوید: در احادیث و
سنّت اسلامی جمله هایی یافت می شود که از کتابهای عهد قدیم و عهد جدید و
انجیل و اقوال و حکماء یونان و فارس و هند و رم گرفته شده است. وی می
گوید: واژه فقه و فقها هر دو از جهت مفهومی از حکم و حکیم یعنی واژه های فقه
يهودی گرفته شده است. به این دلیل که هر دو در انگلیسی به یک معنا
ترجمه شده است:وی در مورد واژه های: رای و مصلحت نیز همین
نظر را دارد.(۵)

- بوسکیه (H.Bousquet) ضمن ادعای وامداری فقه اسلامی از تلمود یهود می گوید:
فقه اسلام با تلمود یهود در ۴ جهت نقطه اشتراک دارند:
۱- هر دو مستند به وحی الهی هستند.
۲- هر دو از یک مصدر یعنی خداوند بر خاسته اند.

۳- هر دو دارای قواعدی دینی در اعتقادات و معاملات و عبادات هستند.

۴- احکام فقهی هر دو توسط علمای آن ادیان مورد بررسی قرار گرفته است.

- ابراهیم جایغر در کتابش «ما ذا أخذ محمد عن اليهود» ثابت کرده است که برخی مشابه‌ها در شریعت اسلامی و قانون یهودی وجود دارد. (۶) و صبحی محمصانی در کتاب فلسفه التشريع فی الإسلام ص ۲۵۶ آن را ذکر کرده است.

پاسخ و نقد ادعای اول:

این ادعای وامداری فقه اسلام از فقه یهود را می‌توانیم از دو جهت بررسی کنیم:

اول: مشابهات عقیدتی و فقهی اسلام و یهودیت ناشی از وامداری و اقتباس به معنای ضعف آن نیست، بلکه از عوامل ذیل ناشی می‌شود:

۱- اتحاد خاستگاه: تمامی شرایع و ادیان آسمانی که اسلام و یهودیت و مسیحیت جزء آنهاست، از آنجا که در خاستگاه و مصدر یکی هستند یعنی خاستگاه همه وحی الهی و غیر است و مقصد همه هدایت انسانهاست لذا در عبادات و معاملات و توصیه های اخلاقی می‌توانند مشترک باشند و این اشتراک به دلیل اقتباس نیست بلکه به دلیل یکی بودن و اتحاد مصدر آنها یعنی خداوند حکیم است.

و لذا در فقه اسلامی یکی از مصادر و منابع فقهی، شرع من قبلنا است. (۷)

۲- اتحاد مقصد: بررسی در اصول اسلامی و نیز متون مقدس دیگر ادیان الهی به خوبی ثابت می‌کند، خداوند متعال در جهت تکامل بشر در طول تاریخ پیامبران و ادیانی را نازل کرد و متناسب با تکامل اجتماعی و عقلانی بشر ادیان الهی نیز کامل و کاملتر شدند تا به دین اسلام رسید که دین جامع و کامل و خاتم ادیان است. و دلیل آن تفاوت فقه اسلام با فقه یهود و مسیحیت از جهت جامعتر بودن و همه جانبه نگریستن است.

دوّم: بررسی واقع بینانه و منصفانه فقه اسلام و فقه یهود نشان می‌دهد که فقه اسلامی از دو

جهت اساسی با فقه یهود متفاوت است:

۱- از جهت منابع و مولفه‌های فقه

۲- از جهت احکام فقهی

الف: از جهت منابع فقهی

۱- در فقه اسلامی علم اصول فقه وجود دارد ولی در فقه یهود علمی که ابزار استنباط احکام فقه یهود باشد، به طور مستقل وجود ندارد.

۲- در فقه اسلام علم بررسی حدیث از جهت متن و رجالی وجود دارد ولی در فقه یهود نیست.

۳- در فقه اسلام ۴ دلیل و منبع برای استنباط احکام اسلامی وجود دارد ولی در فقه یهود تنها دو منبع: کتاب مقدس و تلاش علمای یهود، برای استخراج احکام فقهی آن اعلام شده است. (۸)

ب: از جهت احکام

فقه اسلام و فقه یهود از جهت احکام نیز تفاوت‌هایی دارد:

- در اسلام زن اهلیت کامل در تصرف اموال خودش را دارد. ولی در فقه یهود از این اختیار محروم است. (۹)

- در اسلام رضاع با شرایطی از موانع ازدواج است ولی در فقه یهود چنین نیست.
- اختلاف طبقات در ارث-میان فقه اسلام و فقه یهود در طبقات ارث اختلاف وجود دارد. (۱۰)

- در نکاح و طلاق

- در احکام کیفری نیز اختلاف هایی وجود دارد. (۱۱)

بررسی ادعای گروه دوم:

- برخی از مستشرقان بر وامداری فقه اسلام از حقوق روم تاکید کرده و می گویند:
- پس از این که مسلمانان کشورها و شهرهای بیزانس را که دارای تمدن قدیمی بودند فتح کرد (مثل بلاد شام و عراق از سرزمینهای امپراطوری روم شرقی) در این شهرها با نیازمندیهای جدید برخورد کردند که در فقه اولیه اسلام از آنها خبری نبود عرفها و قوانین موجود در این سرزمینها جانشین زندگی بسیط و عادات بدوى عرب شد. قوانین و عرفهایی که در سنت و نظریات فقه اسلامی نبود. این حوادث جدید روز به روز بیشتر می شد و استفاده مسلمانان از قوانین و عرفهای موجود در آن شهرها هم بیشتر می شد. به طوری که فقه اسلامی وامدار فقه روم حاکم در این سرزمینها شد. (۱۲).

- کاروزی (Carusi) ایتالیایی و ون کویمر آلمانی (Von Kremer) و شلدون آموس انگلیسی (Amos) و سنتلانا ایتالیایی و لامبیر فرانسوی (Lambert) نیز گفته اند: شریعت محمد (ص) جز قوانین روم امپراتور شرقی که مطابق با احوال سیاسی ممالک عربی تنظیم شده است، نمی باشد و یا: «شریعت محمدی (ص)» جز قانون آگوستین در لباس عربی نیست.

مثال: یکی از مستشرقان مشهور، شاخت (J.SCHACHT) تلاش می کند تا بین فقه اسلامی و منابع خارجی از جمله قوانین روم ارتباط ایجاد کند، مثلاً وی بر آن است که فقه اسلام بسیاری از قواعد حقوق روم را وام گرفته است. مانند قاعدة الولد للفراش که وی آن را شدیداً مرتبط با این قاعده رومی می داند:

Est avem nuptiae demonstrant pater.

و نیز مفهوم ضمان مربوط است به اصطلاح لاتین *Piynus*

و نیز اصطلاح عبری *Higgish* برای قیاس استفاده شده است و اصطلاح های استصحاب (۱۳) و استصلاح در اصول از حقوق رم گرفته شده است.

- اداره - برخی از مستشرقان چون: آموس (Amos) برآند: عرب پس از فتح اسلامی سوریه و عراق با مدارس حقوق روم در این شهرها و کشورها رابطه برقرار کرده اند و از دانش های فقهی مدارس آن مکانها، مثل مدرسه بیروت و اسکندریه سیراب شدند. وی بر آن است دو مدرسه فوق حتی بعد از فتح اسلامی باقی ماندند و تدریس داشته اند.
برخی دیگر برآند که او زاعی و شافعی از مدرسه بیروت روم در سوریه قدیم استفاده کردند و چون در سوریه متولد شدند طبعاً با بسیاری از قوانین روم و حکومت بیزانس آشنا بودند. (۱۴)

پاسخ به ادعای گروه دوم:

الف: ادعای مستشرقان که وامداری فقه اسلام را مرتبط به استفاده کردن فقهای اسلامی مثل او زاعی و شافعی از مدارس بیروت دانسته اند، به دو دلیل بسیار اساس و غیرواقعی است زیرا:

اولاً: امام شافعی گرچه در غزه سال ۱۵۰ هجری متولد شد اما در کودکی به مکه آمد و در آنجا علوم را فرا گرفت و نزد امام ^{برادر} مالک تلمذ کرد و از اصحاب حدیث شد و سپس به بغداد نزد شیبانی رفت و مذهب فقهی خود را تاسیس کرد و در تاریخ ثابت نشده

است که وی زیان یونانی و رومی یاد داشته است. ا و خود نیز در کتابها و نظریات خود و یا شاگردان وی به هیچ وجه ادعای یاد داشتن زبان های رومی و یونانی نداشته اند.

ثانیاً: اوزاعی از جهت گرایش فقهی شدیداً متمایل به اهل حدیث بوده و از اجتهادبه رأی پرهیز داشت در حالی که نتیجه وامداری فقه اسلامی از حقوق روم، تمایل به رأی و قیاس می باشد. (۱۵)

ب: در مورد وامداری فقهای اسلامی به مدرسه اسکندریه باید گفت:
اولاً: مدرسه اسکندریه بر اساس دستور آگوستین در ۱۶ دسامبر ۵۳۳ بسته شد.
ثانیاً: در زمان فتح اسکندریه توسط مسلمانان در سال ۶۴۱ میلادی، این مدرسه سالها تعطیل بود.

پس حدود دو قرن پیش از تولدو رشد فقه اسلامی این مدرسه از رونق و تاثیر افتاده بود. (۱۶)

البته این مستشرقان چون با پیش ذهن وامداری فقه اسلام از فقه یهود یا روم بررسی می کنند، بیشتر در جهت صید تشابهات هستند و آنها را نشانه وامداری می دانند. در حالی که موارد اختلاف زیادی وجود دارد که آنها از غافلند.

یکی از موارد تشابه بع فقه اسلامی با حقوق رم:
قاعده: البینه علی المدعى و اليمين علی من انکر: است. بر اساس این قاعده، مدعی ملزم به ارائه بینه و منکر ملزم به سوگند شده است. این قاعده در حقوق روم و حقوق اسلام هردو موجود است.

ولی از آنجا که اصل و خاستگاه این قاعده برایت ذمه انسان و عدم مسئولیت آن است لذا همه ادیان آسمانی و عقول سليم و منطق و وجدان انسان نیز آن را تأیید می کند. و اکنون نیز در اعلامیه حقوق بشر اصل مهمی به حساب می آید. افزون بر آن، این قاعده در حدیث شریف پیامبر اکرم نیز امده است و آن را سیوطی در جامع صغیر و ترمذی در صحیح آورده است و می دانیم که احادیث پیامبر اکرم (ص) قبل از فتوحات اسلام در زمان خلیفه دوم و تماس اسلام با سرزمینهای امپراطوری رم شرقی، بخاری ابراز شده است. (۱۷)

بیان موارد اختلاف فقه اسلامی با حقوق روم:

وجود اختلافهای اساسی بین فقه اسلامی و حقوق روم نشانگر عدم وامداری است از جمله :

طبق قانون رم، با ارتکاب زوجه برخی از جرائم را مثل زنا انحلال نکاح انجام می شودولی در اسلام نکاح باقی است

- بطلان عقد به دلیل تخلف در ارکان در فقه اسلام و عدم بطلان آن در حقوق روم.

- عدم تفکیک در حقوق عینی و دینی در فقه اسلام و تفکیک در حقوق روم.

حقوق اسلام دارای تاسیسات حقوق مثل نقه، حبس، تعزیر، معتبر بودن اراده در تشکیل عقود، نیابت ارکان در عقود، جواز تعدد زوجات، طلاق و موارد دیگر است که که در حقوق روم نیست.

حقوق روم نیز مشتمل بر نهادهایی مثل فرزندخواندگی، سیادت زوجه در امر زناشویی بر زوج، نظام خاص وصیت است که در اسلام وجود ندارد.

در شریعت اسلام بین قوانین حقوق و اخلاق مرزی وجود ندارد و آمیخته به هم هستند و مستحبات در واقع امور اخلاقی و ارشادی هستند ولی در حقوق روم تفاوت کاملاً محسوس است و حقوق فقط شامل باید ها و نباید ها می باشد (۱۸).

این اختلاط مفاهیم اخلاقی و عرفانی با قوانین اجتماعی و حقوقی در فقه اسلام، ناشی از تنوع مسئولیت پیامبر اکرم است که هم مسئولیت دینی و الهی داشت و هم حاکم سیاسی و اجتماعی بود.

در کنفرانس دولتی حقوق تطبیقی که در شهر لاهه در ماه اوت سال ۱۹۳۷ م تشکیل شد مقرر شد که شریعت اسلام از حقوق روم متاثر و وامدار نیست بلکه فقه اسلامی فقهی مستقل و قائم به ذات خود است (۱۹).

افزون بر این برخی از مستشرقان خود نیز معتقد به عدم تاثیر و وامداری شریعت اسلام از فقه یهود و حقوق روم هستند.

جرالد، از مستشرقانی است که بسیاری از نظریات گلدزیهر رادر مورد وامداری فقه اسلام از یهود را رد کرده است

سانتلا نا (D. Santillana) معتقد است: وجود تشابهات دلیل بر وامداری نیست زیرا تشابه در فکر انسانی امر طبیعی است و فرقی بین امت‌ها نمی‌کند. زیرا عقل سالم انسانها در بسیاری از موارد یکسان فکر می‌کند و یک نتیجه و راه حل را ارائه می‌دهد بدون این که این پدیده به اقتباس و تقلید مربوط باشد. (۲۰)

در پایان، به یک اختلاف اساسی میان کتاب مقدس موجود و قرآن کریم اشاره می‌شود: در خصوص آفرینش انسان به ویژه آفرینش زن در کتب عهد عتیق و جدید (سفر پیدایش) آمده است:

و خداوند خدا پس آدم را از خاک برشت و درینی اوروح حیات دمید و آدم نفس زنده شد..... و خداوند خدا خوابی گران برآدم مستولی کرد و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و را به نزد آدم آورد..... (کتاب مقدس، سفر پیدایش، ص ۳ سطر ۷ - ۲۳) دارالسلطنه لندن، ۱۹۵۴ م ترجمه شده از زبانهای اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی)

در حالی که قرآن کریم در اولین آیه سوره نساء به صراحة آفرینش زن را همچون مرد از نفس واحده می‌داند و می‌فرماید:

یا ایها الناس اتقوا ربکم اللذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منها رجala و نساء.....

در این آیه کریمه ابتدا به آفرینش مرد وزن از نفس واحده ای اشاره شده و سپس بار دیگر به آفرینش زوج انسان از همان نفس تاکید شده است.

بررسی و سنجش این آیات از کتاب مقدس و قرآن کریم به خوبی دو نظریه مقابل را به تصویر می‌کشد. نظریه آفرینش طفیلی زن از مرد در کتاب مقدس و نظریه آفرینش مستقل زن مثل مرد از نفس واحده در قرآن کریم

البته در برخی منابع اسلامی (جامع الاحادیث النبویه، وینسینگ، واژه: ضلع) روایاتی با همین مضمون کتاب مقدس، وارد شده است که براساس اصول حاکم بر استنباط احکام اسلامی، چون با صراحة قرآن کریم مخالفت دارد، باید طرد شود و این همان روایات اسرائیلیات است که توسط جاعلان ووضاعان حدیث با انگیزه‌های اشاعه خرافات در منابع اسلامی صورت گرفته است.

نحو: *لَهُوَكَلِمَةُ آمَّهُ، إِنَّهُ كَلِمَةُ حَرَّةٍ بَسِيمَهُنَّ* (نحوی از فرضیه دیده در میان دو مسلمان در موضع مفتت).

منابع :

- ١- Montgomery Watt, Muhammds Mecca, Edinburgh University Press, 1998. -
- ٢ Schacht , Origins of Muhammadan Jurisprudence , op, cit, pp. 6-10.- -
 - ٣ - همان مأخذ.
 - ٤ - همان مأخذ.
- ٥ - ساسى سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشرافي، (الظاهره الاستشرافي و اثراها فى الدراسات الاسلاميه)ص ٤٥١ الجزء الثاني، بيروت ، دارالمدار الاسلامى، الطبعه الاولى، ٢٠٠٢م
- ٦ - محمصانى ، صبحى. فلسفة التشريع الاسلامى، دارالعلم للملا يbin ، بيروت ، سوم ٢٥٦، ص ١٩٦١،
- ٧ - محمد يوسف موسى، المدخل لدراسه الفقه الاسلامى، چاپ دوم ، دارالفکر العربي قاهره، ١٩٦٩م.ص ٩٣ و الاصول العامه للفقه المقارن، حكيم ، محمد تقى،
- ٨ - ساسى سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشرافي، (الظاهره الاستشرافي و اثراها فى الدراسات الاسلاميه)ص ٤٧٢ الجزء الثاني، بيروت ، دارالمدار الاسلامى، الطبعه الاولى، ٢٠٠٢م) به نقل از :صوفى ابوطالب ، بين الشريعة الاسلاميه والقانون الرومانى، ص ٦-٥.
- ٩ - همان ص ٤٥٩ .
- ١٠ - JACOB,NEUSNER,TAMARA SONN,&,JONATHAN E. BROCKOPP, JUDAISM AND ISLAM IN PRACTICE. ROUTLEDGE. 2000.
- ١٢ - محمد يوسف موسى، همان ، ص ٤٥ .
- ١٣ - ساسى سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشرافي، (الظاهره الاستشرافي و اثراها فى الدراسات الاسلاميه)ص ٤٨٥ .
- ١٤ - فون كريمير، تاريخ الحضارة فى الشرق، ترجمة خوداباکشى ، ١٩٢٠ ص ٤٤٧.) .

- ١٥ - محمد يوسف موسى، المدخل لدراسة الفقه الاسلامي، چاپ دوم ، دارالفکر
العربي قاهره، ١٩٦٩ م
- ١٦ - تبلر، فتح العرب، ترجمه محمد فريد ابوحديد، قاهره، ١٩٣٣، ص ٣٤٨ و ٣٧٠.
- D.santillams. code civil at commercice
- 17
- Tunisiem(avant- props) Tunis: 1988.p.114.
- الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير ، مصر ، الخيرية ١٣٢١ ق.
- ١٨ - محمصاني ، صبحي. فلسفة التشريع الاسلامي، دارالعلم للملا يين ، بيروت ، سوم ٢٩٨، ص ١٩٦١.
- ١٩ - محمد يوسف موسى، المدخل لدراسة الفقه الاسلامي، ص ١١٢. چاپ دوم ،
دارالفکر العربي قاهره، ١٩٦٩ م
- ٢٠ - ساسى سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشرافي، (الظاهره الاستشرافي و اثراها
في الدراسات الاسلاميه) ص ٤٩٨.
- ٢١ - جواد على ، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام ، ج ٥ ص ٤٨٠.
- ٢٢ - عبدالرحمن بدوى ، فرهنگ کامل خاور شناسان ، ترجمه، خاکرند ، شکرالله، قم ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، اول ، ١٣٧٥ ش.
- ٢٣ - كتاب مقدس ، ص ٣ سطر ٧ - ٢٣) دار السلطنه لندن، ١٩٥٤ م ترجمه شده از
زبانهای اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی)
-
- JACOB,NEUSNER,TAMARA SONN,&,JONATHAN E. BROCKOPP, -
JUDAISM AND ISLAM IN PRACTICE. ROUTLEDGE. 2000.
- Jacob Neusner and Bruce Chilton. Jewish and Christian Doctrines. -
Routledge. 2000.
- Comparing Islam and Judaism in particular, Jacob Neusner , Tamara Sonn, -
Routledge , 2000.
- S.U.Fitz Gerald: The alleged debt of Islamic Law to Roman Law,in Law Guaterly
Review; Vol. 67,1951 P.81-102.
- Goldziher, Chacht, Encyclopedie of Islam , " Fikh"

Ingrid Mattson
(wife)
↓
Ingrid Mattson

Dra

steven

✓ ~~for~~ Islamic Studies

The macdonald center for the ^s
Study
of Islam